



University of Tehran Press

WTO Approach to Renewable Energies: In Theory and Practice

Hatam Sadeghi Ziyazi¹ | Somayehsadat Mirilavasani² | Zahra Ziafati Sabbagh³

1. Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: hatamsadeghi@pnu.ac.ir
2. Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: s.mirilavasani@pnu.ac.ir
3. Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: z.ziafati@pnu.ac.ir

| Article Info | Abstract |
|---|---|
| <p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 1-21</p> <p>Received: 2020/03/04</p> <p>Received in Revised form: 2021/08/03</p> <p>Accepted: 2021/11/08</p> <p>Published online: ----/--/--</p> <p>Keywords: <i>Agreement, energy, Dispute Settlement Body, GATT, renewable energy, WTO (World Trade Organization).</i></p> | <p>World Trade Organisation which has replaced GATT, has entered new domains in addition to General Agreement on Tariffs and Trade (GATT); e.g. trade aspects of intellectual property and anti-dumping measures. In some of them like TRIPS, it's pioneer in rule-setting and in some like subsidies, it is the first time that mandatory rules have been envisaged. In Doha round, commenced since 2001, following the Organization's ministerial conference, many subjects have been put forward like environment in addition to conventional issues like tariff reduction but energy is not highlighted and if energy has been dealt with, renewable energies are visible in WTO practice. The present paper has tried to give answer to the question on the situation of (renewable) energy in main WTO agreements and practice and by applying a descriptive-analytical approach, has come to the conclusion that (renewable) energy lacks enough attention in the Organisation's agreements and practice. It tries to give practical solutions for improvement of this kind of energy in WTO, suggest that the issue of energy be included as a comprehensive agreement in WTO's negotiation agenda.</p> |
| <p>How To Cite</p> | <p>Sadeghi Ziyazi, Hatam; Mirilavasani, Somayehsadat; Ziafati Sabbagh, Zahra (2023). WTO Approach to Renewable Energies: In Theory and Practice. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-21. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2021.298939.2350</p> |
| <p>DOI</p> | <p>10.22059/jplsqt.2021.298939.2350</p> |
| <p>Publisher</p> | <p>The University of Tehran Press.</p> |





رویکرد سازمان تجارت جهانی به انرژی‌های تجدیدپذیر: در تئوری و عمل

حاتم صادقی زیازی^۱ | سمیه سادات میری لواسانی^۲ | زهرا ضیافی صباغ^۳

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: hatamsadeghi@pnu.ac.ir

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: s.mirilavasani@pnu.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: z.ziafati@pnu.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|---|
| <p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۱-۱</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ---/--/---</p> <p>کلیدواژه‌ها: انرژی، انرژی تجدیدپذیر، رکن حل وفصل اختلاف، سازمان تجارت جهانی، گات (موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت)، موافقت‌نامه.</p> | <p>سازمان تجارت جهانی که جایگزین گات شده است، علاوه بر موافقت‌نامه عمومی، تعرفه و تجارت (گات)، در حوزه‌های دیگری از جمله جنبه‌های تجاری مالکیت فکری تا اقدامات ضد دامپینگ نیز وارد شد؛ که در برخی از آنها مانند تریس، برای اولین بار اقدام به وضع قاعده می‌کرد و در برخی دیگر مانند یارانه‌ها، این اولین بار بود که مقررات الزام‌آور پیش‌بینی می‌کرد. در دور مذاکراتی دوحه که از سال ۲۰۰۱، پیرو کنفرانس وزیران سازمان در قطر، آغاز شده است، علاوه بر موضوع همیشگی کاهش تعرفه‌ها، موضوعات متعدد دیگری مانند محیط زیست نیز در دستور کار قرار گرفته است؛ اما مسأله انرژی در این میان پررنگ نیست و اگر هم به آن پرداخته شده، انرژی‌های تجدیدپذیر مورد نظر بوده است. مقاله حاضر پاسخ به سوال از وضعیت انرژی (های تجدیدپذیر) در موافقت‌نامه‌های اصلی و رکن حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی را مورد بررسی قرار داده است، و با رویکردی توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیده که جایگاه انرژی (های تجدیدپذیر) در اسناد و رویه سازمان کم‌رنگ است. در ادامه، با ارایه راهکارهایی در راستای بهبود وضعیت این دسته از انرژی‌ها در سازمان تجارت جهانی، پیشنهاد می‌دهد که این موضوع در قالب موافقت‌نامه‌ای جامع در دستور کار مذاکراتی سازمان قرار گیرد.</p> |
| استناد | صادقی زیازی، حاتم؛ میری لواسانی، سمیه سادات؛ ضیافی صباغ، زهرا (۱۴۰۲). رویکرد سازمان تجارت جهانی به انرژی‌های تجدیدپذیر: در تئوری و عمل. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، -- (--)، ۲۱-۱. |
| DOI | DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2021.298939.2350 |
| ناشر | مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. |



۱. مقدمه

در اوایل مذاکرات گات^۱، کشورهای عضو و صاحب نفوذ در گات تصمیم گرفتند که نفت، و به دنبال آن انرژی را از مذاکرات گات مستثنی کنند، تا بر سر کنترل ذخایر انرژی تنشی ایجاد نشود. در دوره یادشده تقاضای جهانی برای انرژی کمتر از امروز بود و تجارت آزاد آن یک اولویت اساسی در تجارت محسوب نمی‌شد. تا دهه ۱۹۸۰ بسیاری از کشورهای تولیدکننده انرژی هنوز طرف موافقت‌نامه گات نبودند (UNCTAD, 2000: 1). مسائل مربوط به انرژی در دوره‌های مذاکراتی توکیو و اروگوئه مورد توجه آمریکا و جامعه اروپا قرار گرفت، اما با مخالفت‌های کشورهای دارنده منابع انرژی روبه‌رو شد و در قواعد گات جای نگرفت (Sakmar, 2008: 89).

پس از گات و به‌خصوص از دهه ۱۹۷۰ به بعد، جهانی شدن بازارها، مقررات‌زدایی در داخل کشورها و ارتباط نوین بخش انرژی کشورها با اقتصاد و سیاست جهانی بر اهمیت جایگاه انرژی در روابط میان کشورها افزود. به گونه‌ای که امروزه نیمی از تجارت خدمات به انرژی وابسته است (Selivanova, 2011: 42). با این وجود، در دوره پس از گات، در مقررات سازمان تجارت جهانی به‌ندرت می‌توان مواردی یافت که به طور مستقیم به مقوله انرژی اشاره کرده باشد و قواعد فعلی سازمان تجارت جهانی نیز به طور مناسب به انرژی نمی‌پردازد. در دور دوحه، یعنی پس از آغاز به کار سازمان^۲، نیز موضوع انرژی به صورت مستقیم در دستور کار مذاکرات قرار نگرفت و برای آن مجموعه مقرراتی پیشنهاد نشده است. هیچ‌یک از قوانین گات ۱۹۴۷ و موافقت‌نامه‌های سازمان، به صراحت انرژی را از دایره شمول خود خارج نکرده و تعرفه سوخت‌های فسیلی مانند نفت از همان ابتدا تا به امروز در جدول تعرفه‌ها و امتیازات اعضای مورد اشاره قرار گرفته است (شیروی و فرحان جم، ۱۳۹۸: ۱۴۳)؛ اما با اقدامات اعضا در راستای حفظ ذخایر انرژی تجدیدناپذیر خود (ماده ۲۰ گات) یا امنیت ملی (ماده ۲۱ گات) (که آمریکا به صورت گسترده از این موارد استفاده می‌کند)، به نظر می‌رسد انرژی‌های تجدیدناپذیر (فسیلی) مشمول گات نمی‌شوند؛ و این سؤال مهم پیش می‌آید که سازمان تجارت جهانی از ابتدا تاکنون چه رویکردی درباره موضوع انرژی داشته است؟ و تا چه میزان توانسته است که در این حیطة تاثیرگذاری نماید؟

در حال حاضر، بخش انرژی در سازمان تجارت جهانی در وضعیت بلاتکلیفی به سر می‌برد؛ مانند وضعیت محصولات کشاورزی قبل از دور اروگوئه، نه کاملاً از موافقت‌نامه‌های سازمان فاصله گرفته و نه قواعد ویژه‌ای برای آن وضع شده است (Marhold, 2013: 4). تمرکز رویه رکن حل‌وفصل اختلاف سازمان و آن دسته از مواد موافقت‌نامه‌های مرتبط هم بیشتر بر انرژی‌های تجدیدپذیر متمرکز بوده و تاکنون دعوایی درباره انرژی‌های فسیلی در رکن حل‌وفصل مطرح نشده است.

۱. موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت که به گات موسوم است و از این به بعد، با نام گات از آن یاد می‌شود.

۲. منظور از سازمان، سازمان تجارت جهانی است، که از آن با اختصار با عنوان سازمان یاد می‌شود.

این پژوهش تلاش کرده است که با روشی تحلیلی-توصیفی و با پیش فرض قرار دادن نداشتن ورود مستقیم قواعد سازمان تجارت جهانی به مقوله انرژی، به ویژه انرژی‌های فسیلی و تمرکز نسبی بر انرژی‌های تجدیدپذیر، به تأثیرات موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی بر بخش انرژی پرداخته و رویکرد رکن حل‌وفصل اختلاف این سازمان درباره مقوله انرژی تجدیدپذیر را واکاوی کند. در این راستا، جایگاه این دسته از انرژی‌ها در گات و سازمان تجارت جهانی و موانعی که در این زمینه با آن روبه‌رو بوده است و سپس موضع موافقت‌نامه‌ها و رکن حل‌وفصل اختلاف سازمان درباره انرژی بررسی خواهد شد.

۲. رویکرد اعضای سازمان تجارت جهانی درباره انرژی و تمرکز بر انرژی‌های تجدیدپذیر

هیچ‌یک از موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی که مستقیماً مربوط به تجارت بدون مرز هستند، به صورت مستقیم به واژه «انرژی» اشاره ندارد: موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت^۱، موافقت‌نامه تجارت در خدمات^۲، موافقت‌نامه محدودیت‌های فنی تجارت^۳، موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری اقدامات سرمایه‌گذاری^۴، موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی^۵ و موافقت‌نامه خریدهای دولتی^۶. یک علت احتمالی برای این مسأله می‌تواند نداشتن مشارکت اولیه صادرکنندگان انرژی در گات به دلیل ماهیت راهبردی و ملاحظات امنیتی در تأمین انرژی باشد (Cottier et al., 2010: 1-3). آنها در جریان مذاکره موافقت‌نامه گات دخالت نداشتند و در زمان تأسیس اوپک در سال ۱۹۶۰، چهار کشور از پنج مؤسس اوپک^۷، عضو گات نبودند. برخی کشورهای مؤسس گات مانند نروژ، بریتانیا و هلند هم در آن زمان هنوز اکتشاف منابع نفتی و گازی خود را به صورت جدی دنبال نکرده بودند. منطق گات در تجارت مبتنی بر عرضه مازاد محصولات داخلی توسط کشورها برای صادرات بود؛ اما هیچ کدام از کشورهای صادرکننده نفت عضو گات، نه نفت مازاد داشتند و نه تمایلی به این کار. بعدها، برخی کشورها سعی کردند شروطی در گات بگنجانند تا صادرکنندگان انرژی نتوانند در صادرات انرژی محدودیت ایجاد کنند. بحران نفتی دهه ۱۹۷۰^۸، برخی کشورهای صنعتی از جمله آمریکا را واداشت که در مذاکرات چندجانبه دور توکیو بر مسأله محدودیت‌های صادراتی و منع قیمت‌گذاری

1. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT).
2. General Agreement on Trade in Services (GATS).
3. Technical Barriers to Trade Agreement (TBT).
4. Trade Related investment Measures Agreement (TRIMS).
5. Subsidies and Countervailing Measures Agreement (SCM).
6. Agreement on Government Procurement (GPA)

۷. سازمان کشورهای صادرکننده نفت = OPEC

۸. در این دهه، سومین جنگ اعراب و اسرائیل رخ داد که باعث افزایش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی شد.

دوگانه در بخش انرژی تأکید کنند (Venn, 2013: 161). در دهه ۱۹۸۰ و در دور اروگوئه، کشورهای صادرکننده انرژی تمایل داشتند که فقط درباره مسأله دسترسی به بازار و مسائل مربوط به تجارت مذاکره کنند؛ درحالیکه واردکننده‌ها تمایل به مسائلی مانند دسترسی به منابع و عملکردهای تجاری محدودکننده، مانند شیوه‌های قیمت‌گذاری دوگانه و یارانه‌های حاصل از آن‌ها، قیمت‌شکنی معکوس، محدودیت‌های صادرات و مالیات‌های صادرات، مشکلات مربوط به جابه‌جایی محصولات منابع طبیعی به وسیله جایگزین‌ها داشتند (Stewart, 1993: 1-9). در طول مذاکرات درباره منابع طبیعی هم، سعی شد که مجدداً دامنه مذاکرات را به محصولات مبتنی بر منابع طبیعی گسترش بدهند تا محصولاتی مانند نفت، گاز طبیعی و اورانیوم نیز تحت پوشش قرار داده شود. به‌رغم همه این تلاش‌ها، مذاکرات دور اروگوئه در زمینه مقررات مربوط به منابع طبیعی، از جمله انرژی، منجر به موافقت‌نامه‌ای در این موضوع نشد.

با صنعتی شدن کشورهای دارنده منابع انرژی به‌خصوص نفت و افزایش صادرات آنها در بازارهای بین‌المللی، سیاست‌های قیمت‌گذاری این کشورها موجب نگرانی کشورهای صنعتی عضو سازمان شد، زیرا نیازمند نفت ارزان برای خوراک صنایع پایین‌دستی خود بودند. از این کشورها چون قزاقستان، روسیه و عراق خواسته شد که سیاست‌های خود را در زمینه انرژی تغییر دهند. برخی از این کشورها مقررات خود را تغییر دادند و برخی دیگر اصرار دارند که تغییرات، خارج از قوانین استاندارد سازمان هستند و در اصطلاح «الزامات مازاد»^۱ نامیده می‌شوند و این تغییرات را نمی‌پذیرند. از این قبیل کشورهای تازه ملحق شده یا در حال الحاق خواسته شده که در راستای کاهش مالیات صادرات و قیمت‌گذاری دوگانه، تمامی خدمات بخش انرژی خود را آزاد بگذارند و حتی انحصارات انرژی را نیز کاهش دهند (Selivanova, 2008: 5 & 11).

کشورهای واردکننده انرژی بیشتر به مواردی چون شیوه‌های قیمت‌گذاری، سیاست‌های توسعه منابع طبیعی، تدارکات در بخش انرژی و شیوه‌های محدود کمپانی‌های متصدی انرژی می‌پردازند. کشورهای صادرکننده انرژی علاقمند به مسائلی مانند تبعیض در دسترسی به بازار محصولات و مواد انرژی و نیز محصولات پایین‌دستی و دسترسی به بازار خدمات اعضای سازمان تجارت جهانی هستند. همچنین این کشورها اعتقاد دارند که مصرف زیاد و مالیات غیرمستقیمی که کشورهای واردکننده بر روی مواد انرژی و محصولات آن اعمال می‌کنند، درآمد حاصله کشورهای صادرکننده را از منابع طبیعی محدودشان کاهش می‌دهد (Selivanova, 2007: 2-4).

۱. WTO plus به نقل از:

Ya Qin, Julia (2003). "Wto-Plus' Obligations and Their Implications for the World Trade Organization Legal System - an Appraisal of the China Accession Protocol", *Journal of World Trade*, Vol. 37, No. 3, pp. 483-522

به تدریج، اعضای اوپک به سازمان تجارت جهانی پیوستند، قسمت عمده‌ای از تجارت انرژی در دست کشورهای عضو سازمان است^۱ و همین امر، موضوع ارتباط سازمان با انرژی، به خصوص نفت را به میان کشیده است. مسأله گرم شدن زمین و تغییرات آب‌وهوایی و نیاز فزاینده به انرژی در حوزه تولید، باعث توجه به جایگاه انرژی در سطح جهانی شده و هرچند تاکنون موافقت‌نامه‌ای برای آن تنظیم نشده^۲ به پیشنهاداتی برای گنجاندن انرژی در چارچوب سازمان تجارت جهانی منجر شده است. با وجود عضویت صادرکنندگان عمده انرژی در سازمان^۳، هنوز صادرات انرژی‌های فسیلی تا حد زیادی در خارج از سیستم سازمان تجارت جهانی انجام می‌شود و شاهد آن هم کم بودن تعداد دعاوی مطروحه در رکن حل‌وفصل اختلاف در زمینه انرژی است، که تمامی آنها هم به انرژی‌های تجدیدپذیر مربوط است.

به نظر می‌رسد اعضای سازمان، به دلایل مختلف تعهدات کمی را در حیطه انرژی و خدمات انرژی متقبل شده‌اند؛ اول اینکه، بخش انرژی، بخشی استراتژیک برای امنیت ملی است و از گذشته در کنترل شرکت‌های دولتی‌ای بوده که تمایلی به ترک انحصار و آزادسازی ندارند. دوم اینکه، خدمات انرژی تعریف مشخصی ندارد و چندین مشکل در تعریف خدمات انرژی دیده می‌شود: ۱. برخی از محصولات انرژی می‌توانند کالا یا خدمات در نظر گرفته شوند (الکتریسیته). ۲. بسیاری از خدمات که به شکل بخشی از زنجیره تولید انرژی هستند، در واقع هسته یا مرکز خدمات انرژی نیستند؛ مانند عملیات ساخت و ساز، مهندسی و مشاوره (Tacoa, 2003: 70). بنابراین، موانع مختلفی در اجرای موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی در بخش انرژی مشاهده می‌شود، که موجب شده است کشورها نتوانند بر سر تدوین یک موافقت‌نامه درباره انرژی در سازمان به توافق برسند که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است:

– **مشکل ناشی از شرکت‌های تجاری دولتی:** بخش انرژی در بسیاری از کشورها در قالب شرکت‌های تجاری دولتی در کنترل دولت‌ها بوده و این شرکت‌ها حمل‌ونقل، سیستم انتقال و توزیع، ظرفیت‌های ذخیره‌سازی و غیره را اداره می‌کنند (Selivanova, 2007: 19). این شرکت‌های دولتی لزوماً بر اساس اصول بازار حرکت نمی‌کنند؛ در حالیکه بر اساس بند اول از ماده ۱۷

۱. امروزه ۹ عضو از اعضای اوپک به سازمان تجارت جهانی ملحق شده‌اند.

۲. در دور دوحه اعضای سازمان جهانی تجارت عملاً خدمات انرژی را به عنوان یک موضوع مذاکره‌ای به رسمیت شناختند اما این سازمان تاکنون موفق به ارائه تعریفی از محصولات انرژی نشده و فهرست مربوط به خدمات انرژی نیز یک جدول موقتی است، به نقل از:

Lamy, Pascal (2007) Doha Round will benefit energy trade, available at: https://www.wto.org/english/news_e/sppl_e/sppl80_e.htm

۳. این موضوع باعث شد که برخی از اعضای این سازمان در زمان الحاق کشورهای صادرکننده انرژی مانند الجزایر و عربستان، به دنبال پیگیری این منافع در طول دوره مذاکرات الحاق با آن کشورها باشند. در این زمینه این منبع را نگاه کنید:

Cottier, Thomas et al (2010). "Energy in WTO law and policy", *WTO working paper*, available at: https://www.wto.org/english/res_e/publications_e/wtr10_forum_e/wtr10_7may10_e.pdf

گات، اعضا متعهد هستند به تضمین این که شرکت‌های تجاری دولتی برای اقدامات دولتی مؤثر بر صادرات و واردات تجار خصوصی، به شیوه‌ای سازگار با اصول کلی نداشتن تبعیض مقرر در گات عمل کنند و ملاحظات تجاری (از جمله قیمت، کیفیت، در دسترس بودن، قابلیت عرضه به بازار حمل‌ونقل و دیگر شرایط) را در خرید و فروش خود در نظر قرار دهند. در حالیکه شرکت‌های تجاری دولتی در بخش انرژی به شیوه‌های غیر تبعیض‌آمیز در برابر رقبای خود در تأمین و عرضه انرژی عمل می‌کنند (Selivanova, 2012: 19).

- **تعرفه‌های صادرات:** تعرفه‌های صادرات ابزار قانونی سیاست‌های تجاری هستند. کشورهای صادرکننده انرژی اغلب از چنین ابزارهایی برای محصولات انرژی استفاده می‌کنند تا درآمد دولتی ایجاد کنند. اگرچه آنها می‌توانند با شرط این که حقوق و عوارض صادرات خود را تحت شرایط الحاق به سازمان تجارت جهانی محدود کرده باشند، تعرفه‌های بسیار بالا تعیین کنند و هیچ منعی در برابر چنین تصمیمی وجود ندارند، اما بر اساس اصل رفتار کامله الوداد (ماده ۱ گات)، نمی‌توانند مالیات بالاتری برای یک بازار صادراتی نسبت به بازارهای صادراتی دیگر تعیین کنند و بین بازارهای صادرات تبعیضی قائل شوند. کشورهای صادرکننده انرژی که عضو سازمان تجارت جهانی نیستند، گاهی تعرفه صادرات را برای بازارهای مختلف در سطوح متنوع تعیین می‌کنند و با توجه به این که میزان حقوق و عوارض صادرات تا حدی بالا است، این سیاست می‌تواند به تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین قیمت مواد و محصولات انرژی در بازارهای مختلف منجر شود. کشورهایی که عضو سازمان تجارت جهانی می‌شوند باید چنین تبعیضی را لغو کنند.

- **مالیات‌های داخلی:** مالیات داخلی انرژی که برای درآمدزایی استفاده می‌شود، در بازار واردات موجب نگرانی بسیار بزرگتری برای کشورهای تولیدکننده انرژی نسبت به عوارض واردات است. از نظر صادرکنندگان انرژی، مالیات‌های داخلی بالا که توسط واردکننده فرآورده‌های نفتی از جمله بنزین اعمال می‌شود، توانایی آن‌ها برای کسب درآمد از منابع طبیعی‌شان را تضعیف می‌کند؛ اما مادامی که بدون تبعیض اعمال شوند، منطبق بر مقررات سازمان هستند.

- **قیمت‌گذاری دوگانه^۱ برای انرژی:** یکی از سیاست‌های دولت‌ها در بخش منابع انرژی به ویژه نفت، مسأله قیمت‌گذاری دوبرخی است. رویه‌هایی که به موجب آن، دولت‌ها قیمت‌های داخلی را پایین‌تر از آنچه که نیروهای بازار تعیین می‌کند، نگه می‌دارند. قیمت‌گذاری دوبرخی، موضوع بحث برانگیزی در مذاکرات الحاق کشورهای دارای منابع انرژی به سازمان بوده است و مطابقت یا مغایرت آن با قوانین سازمان محل بحث است (شیروی و فرحان جم: ۱۵۹-۱۵۷).

دغدغه‌های برشمرده شده بالا به‌خصوص دولت‌های دارای منابع انرژی (به‌خصوص دولت‌های صادرکننده نفت و گاز) در تحت انقیاد در نیورتن بخش انرژی در کشورشان بر اساس موازین سازمان تجارت جهانی، موجب شده انرژی‌های فسیلی یا تجدیدناپذیر زیر چتر قانون‌گذاری و حمایتی سازمان تجارت جهانی قرارنگرفته و دعاوی مطرح شده در سازمان، از نوع مسائل مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر باشد که در بخش بعدی به تشریح موادی از موافقت‌نامه‌ها که به این نوع انرژی ارتباط می‌یابند و انعکاس آنها در رویه رکن حل‌وفصل اختلاف پرداخته خواهد شد.

۳. موضع موافقت‌نامه‌ها و رویه رکن حل‌وفصل اختلاف نسبت به انرژی‌های تجدیدپذیر

بر اساس آمار اعلام شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی، یارانه انرژی‌های تجدیدپذیر در سال ۲۰۱۶، ۱۴۰ میلیارد دلار و یارانه سوخت‌های فسیلی در همان سال، ۲۶۰ میلیارد دلار توسط حدود ۱۱۰ کشور بوده است (Espa and Duran, 2018: 623-4). همانطور که قبلاً توضیح داده شد، انرژی حتی به صورت تجدیدپذیر در موافقت‌نامه‌های سازمان مستقیماً مورد توجه قرار نگرفته، پس طبیعی است که اصول جداگانه‌ای برای آنها در چارچوب سازمان طراحی نشده باشد؛ اما می‌توان موادی را یافت که بر این بخش تأثیرگذار هستند. از طرف دیگر، اهمیت انرژی باعث دعاوی متعددی در رکن حل‌وفصل اختلاف سازمان درباره مسائل و انواع مختلف انرژی شده است؛ از اصل رفتار ملی تا یارانه‌ها. تا کنون ۹ دعاوی مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر در رکن حل‌وفصل مطرح شده است، که در به آنها اشاره خواهد شد. نکته قابل توجه این است که غالب دعاوی مطرح شده در رکن حل‌وفصل اختلاف تا سال ۲۰۱۹، در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر بوده، به طوری که از ابتدای ژانویه ۲۰۱۸، ۶ دعوا فقط در موضوع یارانه‌ها در انرژی‌های تجدیدپذیر در رکن حل‌وفصل اقامه شده است (Wenzlau, 2018: 340). و در حوزه انرژی‌های تجدیدناپذیر (یا فسیلی) تاکنون دعوایی طرح نشده است (De Bievre, Espa, Poletti, 2016: 11). در چرخه تولید انرژی، محصولات مختلفی مانند الکتریسیته تولید می‌شود و نیز خدمات مختلفی در مسیر تولید انرژی عرضه می‌شوند؛ مانند عملیات مهندسی ساخت. که هر کدام به صورت جداگانه موافقت‌نامه‌ها مطرح شده و تحت عناوین مستقل در رکن حل‌وفصل موضوع دعوا قرار گرفته‌اند. بر همین اساس این عناوین ذیل انرژی بررسی نشده‌اند. سازمان تجارت جهانی بر پایه چند اصل اساسی و بنیادین فعالیت می‌کند. بخش بعدی تلاش دارد، انعکاس این اصول را نسبت به انرژی‌های تجدیدپذیر، با توجه به رویه رکن حل‌وفصل اختلاف، بررسی کند.

۱.۳. اصل نبود تبعیض و رویکرد موافقت‌نامه گات نسبت به انرژی^۱

اصل نبود تبعیض را شاید بتوان محوری‌ترین اصل حاکم بر سازمان تجارت جهانی دانست، که در موافقت‌نامه‌های دیگر، مانند یارانه‌ها هم مشاهده می‌شود؛ اما به علت طرح اولیه آن در قالب گات و نمود آن به صورت اصول خاص‌تر، مانند منع یارانه‌های تولیدی در دیگر موافقت‌نامه‌ها مشاهده می‌شود. در قسمت مربوط به گات، به ارتباط آن با بخش انرژی اشاره خواهیم کرد. اصل نبود تبعیض به دو اصل رفتار ملی و دولت کامله الوداد تقسیم می‌شود. اصل دولت کامله الوداد به معنای رفتار برابر با دیگر اعضای سازمان و در واقع، بُعد خارجی اصل نبود تبعیض است؛ درحالی‌که اصل رفتار ملی، بُعد داخلی آن را پوشش می‌دهد. نمود این اصل در بخش انرژی را در ادامه واکاوی خواهیم کرد.

۲.۳. اصل رفتار ملی^۲ (رفتار برابر با کالاهای داخلی و خارجی)

یکی از زیربناهای گات، اصل رفتار ملی است. به این صورت که با کالاها و خدمات دارای منشأ داخلی و خارجی (و به طور کلی، اتباع داخلی و خارجی) رفتار برابری صورت گیرد. به دلیل اهمیت این اصل، علاوه بر گات، در دو موافقت‌نامه اصلی دیگر (گاتس و یارانه‌ها) و تعدادی از موافقت‌نامه‌های فرعی دیگر نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اعمال اصل رفتار ملی به برقراری شرایط رقابتی برابر میان کالاها و خدمات خارجی و داخلی می‌انجامد. لازمه این اصل، حمایت نکردن از محصولات و خدمات داخلی است. کشورهای عضو باید از پرداخت یارانه به محصولات داخلی و اعمال عوارض و هزینه‌های مازاد به کالاهای وارداتی خودداری کنند؛ و اگر حمایت کنند، قواعد سازمان را نقض کرده‌اند و طرف متضرر می‌تواند به رکن حل‌وفصل اختلاف رجوع کند.

براساس ماده ۳ گات، در زمینه مالیات داخلی و مقررات، قوانین و شرایط داخلی، محصولات وارد شده نباید کمتر از محصولات داخلی مورد توجه قرار بگیرد. هدف از وضع این اصل در گات، از بین بردن مالیات‌ها نیست؛ بلکه باید همان مالیات و عوارضی که برای کالای خارجی در نظر گرفته می‌شود، برای محصول داخلی هم در نظر گرفته شود و موقعیت هردو برابر باشد. رفتار ملی در برخورد با محصولات زمانی که وارد یک کشور می‌شوند اعمال می‌شود و تنها ناظر به نبود تبعیض در واردات است و مقوله رفتار متفاوت در صادرات را ممنوع نمی‌سازد. البته در حیطه انرژی، کشور صادرکننده می‌تواند بر طبق بند ۴ از ماده ۵ گات، محصولات و مواد انرژی صادراتی را از مالیات داخلی معاف کند. کشورها باید با کالاها و خدمات انرژی وارداتی پس از ورود به بازار داخلی و تولیدات و کالاهای انرژی داخلی به طور مساوی برخورد کنند.

۱. از اینجا به بعد، به دلیل پرهیز از اطاله کلام، منظور از انرژی، انرژی‌های تجدیدپذیر است مگر با قرینه‌ای نشان داده شود که انرژی به صورت کلی یا انرژی‌های فسیلی مدنظر نویسندگان است.

شرط نبود تبعیض با توجه به مالیات داخلی و هزینه‌ها، قوانین و مقررات، تنها برای رفتار با کالای مشابه قابل اعمال است؛ بدان معنا که مالیات داخلی برای محصولات و مواد انرژی وارداتی، نباید بالاتر از محصولات و مواد انرژی مشابه داخلی باشد^۱ (Selivanova, 2007: 14). پس، اعضای سازمان تجارت جهانی می‌توانند رفتار متفاوتی با محصولات انرژی که مشابه نیستند، داشته باشند و به منظور تعیین مشابه بودن محصولات، عوامل زیر باید بررسی شود: ویژگی‌های فیزیکی، مصرف نهایی محصولات، سلیق و ترجیحات مصرف‌کنندگان و طبقه‌بندی تعرفه محصولات. هرچند تصمیم‌گیری درباره این که محصولات داخلی و وارداتی مشابه هستند یا نه، به صورت جداگانه و موردی انجام می‌شود (WTO DS1, 1998/ WTO DS10, 1998/ WTO DS8, 1995). البته رکن حل‌وفصل در دعوی آمریکا علیه هند، انرژی تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر را کالاهایی مشابه دانسته است (Batra and Bafna, 2018: 410).

در دعوی هند علیه آمریکا، در زمینه برخی اقدامات مؤثر بر بخش تولید انرژی که در آن هند ادعا داشت، اقدامات ایالت‌های واشنگتن، کالیفرنیا و ... در زمینه وضع مقررات در حوزه (محتوای) ساخت داخل، به ترتیب با بند ۴ از ماده ۳ و بند اول از ماده ۱۶ گات^۳ در تعارض است، رکن حل‌وفصل به این نتیجه رسید که اقدامات انجام گرفته مغایر با بند ۴ از ماده ۳ گات است؛ زیرا مزیتی برای استفاده از کالاهای ساخت داخل در اختیار خواننده گذاشته و در مقابل، کالاهای وارداتی را از رفتار کمتر مطلوب بهره‌مند ساخته است (WTO DS510, 2019, Para. 8.4).

در دعوی آمریکا به طرفیت هند درباره وضع محدودیت ساخت داخل بر تجهیزات انرژی خورشیدی تولید هند، که برق حاصل شده را به بخش دولتی بفروشد و آن را مخالف با بند ۴ از ماده ۳ گات (و بند

۱. در این باره می‌توان به گزارش هیات رسیدگی گات در قضیه US-Superfund هم می‌توان اشاره نمود، به نقل از: GATT Panel Report on US – Superfund, in WTO Dispute Settlement Reports, (2005), vol. xiii, Cambridge University Press.

۲. به نقل از:

Chapter 2: National Treatment Principle, in: 2016 Report on Compliance by Major Trading Partners with Trade Agreements- WTO, EPA/FTA and IIA, p. 274 available at: https://www.meti.go.jp/english/report/data/2016WTO/pdf/02_03.pdf

۳. بند ۴ از ماده ۳ گات ناظر بر اصل رفتار برابر ملی با کالاهای وارد شده از کشورهای دیگر در زمینه‌های فروش، توزیع، حمل‌ونقل و ... است.

– بند اول از ماده ۱۶ گات ناظر بر یارانه‌ها در کل و یارانه‌های صادراتی است؛ و احتمال وجود اثرات مضر یارانه‌ها بر صنایع در کشورهای صادرکننده را مد نظر دارد. به‌خصوص کشورهایی که از وضع یارانه بر صادرات کالاهای اولیه منع شده‌اند. در این دعوی، موضوع نقض بند ۱ از ماده ۲ تریمز و قسمت ب از بند ۱ ماده ۳، قسمت الف از بند ۳-۲ ماده ۵، قسمت الف از بند ۳ ماده ۶، قسمت ج از بند ۳ ماده ۶ و ماده ۲۵ از موافقت‌نامه یارانه‌ها (SCM)^۳ نیز مطرح بود که رکن حل‌وفصل در این باره نظر صریح ارائه نکرد.

اول از ماده ۲ تریمز) تشخیص داد و هند در مقابل، آنها را مشمول استثنای مذکور در بند ۸ (الف) از ماده ۳ گات می‌دانست.^۱ رکن حل‌وفصل، اقدام هند را مخالف با گات و تریمز شناخت (WTO DS456, 2018, Paras. 8.2-8.3).

در دعوی اتحادیه اروپا علیه کانادا با موضوع اقدامات مرتبط با تعرفه جبرانی انرژی^۲، به ادعای اتحادیه اروپا، اقدامات کانادا مغایر با بندهای ۴ و ۵ از ماده ۳ گات در خصوص اصل رفتار ملی است؛ زیرا کالاها و تجهیزات وارداتی در حوزه انرژی تجدیدپذیر را نسبت به کالاهای تولید شده در ایالت انتاریو کانادا در موقعیت کمتر مطلوبی قرار می‌دهد، و باید از کالاهایی با حداقل درصدی از ساخت انتاریو در تأمین تجهیزات تولید انرژی بادی استفاده شود؛ و نیز مخالف بند اول از ماده ۳ گات (و بند اول از ماده ۲ تریمز است). همچنین ادعا شد که اقدام کانادا نوعی اعطای یارانه از نوع یارانه ممنوعه مذکور در ماده ۳ ب از بند اول و بند دوم از ماده ۳ موافقت‌نامه یارانه محسوب می‌شود. رکن حل‌وفصل اختلاف، ادعای اتحادیه اروپا مبنی بر نقض بند ۴ از ماده ۳ گات توسط کانادا و نیز بند ۱ از ماده ۲ موافقت‌نامه تریمز را احراز کرد (WTO DS426, 2014, Para. 8.2).

در سپتامبر ۲۰۱۲، چین شکایتی را با موضوع اقدامات ضد دامپینگ و جبرانی بر برخی کالاهای وارده از چین، در رکن حل‌وفصل اختلاف علیه آمریکا مطرح کرد. این شکایت مبنی بر آن بود که آمریکا در مارس ۲۰۱۲، قانونی به نام قانون عمومی با شماره ۹۹-۱۱۲ وضع کرده و براساس قسمت اول آن قانون که قانون تعرفه ۱۹۳۰ را اصلاح می‌کند، به صورت مستقیم اجازه اتخاذ اقدامات جبرانی را در برابر کشورهای دارای اقتصاد غیر بازار، به خود داده است؛ بر این اساس، اجازه وضع تعرفه‌های جبرانی در بازه زمانی بین نوامبر ۲۰۰۶ تا مارس ۲۰۱۲، در ارتباط با کالاهای وارداتی از چین به عنوان یک کشور با اقتصاد غیر بازار داده شده و اقدامات ضد دامپینگ با این اقدامات همراه شده است، و نتوانسته از ایراد خسارت به چین جلوگیری کند؛ و به موجب این تصمیم‌گیری‌ها، نقض ماده ۶ و بندهای اول تا سوم از ماده ۱۰ گات و نیز مواد ۱۰، ۱۵، ۱۹، ۲۱ و ۳۲ از موافقت‌نامه یارانه‌ها رخ داده است.

در قسمت اول ادعاهای چین، رکن حل‌وفصل اختلاف در ارتباط با وضع قانون مزبور توسط آمریکا، مبنی بر اعمال تعرفه‌ها در خصوص کشورهای دارای اقتصاد غیربازار که چین آنها را مخالف بندهای اول تا سوم از ماده ۱۰ گات دانسته و اظهار می‌دارد که آمریکا از سال ۲۰۰۶ آن را اجرایی کرده است، به این نتیجه رسید که در واقع رکن مذکور از همان مارس ۲۰۱۲ اجرایی شده و اطلاع‌رسانی کافی انجام گرفته است، پس نقض بند اول از ماده ۱۰ گات محقق نشده است. درباره بند ۲ از ماده ۱۰ گات هم نظر می

۱. بند ۸ از ماده ۳ گات، الزام ساخت داخل را تنها درباره کالاهای تأمین شده توسط بخش دولتی و براساس قانون مجاز می‌داند.

2. feed-in tariff

دهد که قانون مزبور مربوط به حیطة اجرایی این ماده نمی‌شود؛ زیرا تعرفه یا هزینه‌ای را به صورت متحدالشکل و پیشینی و شرط یا محدودیت جدید و شاقی را بر واردات تحمیل نمی‌کند، بنابراین اقدام آمریکا مغایر با این بند از گات نیست. همچنین به عقیده رکن حل‌وفصل، وضع قانونی مانند مذکور، مخالف با قسمت ب از بند سوم ماده ۱۰ نیست و وضع قانون در حالی که موضوع مربوط به تعرفه‌ها در دادگاهی در دست بررسی است، نافی استقلال دادگاه‌ها از مراجعی که باید تصمیمات آنها را به مرحله اجرا بگذارند نیست، پس عمل آمریکا مخالف با این بند نیست.

با اعتراض چین به قسمت فوق‌رای، موضوع در مرجع استیناف رکن حل‌وفصل مطرح شد. درباره بند ۲ از ماده ۱۰ گات، مرجع تجدید نظر، به منظور تشخیص اینکه آیا اقدامات آمریکا در وضع چنین قانونی، وضعیت شاقی را بدون اطلاع‌رسانی برای چین ایجاد کرده، باید با اقدامات قبلی، به‌خصوص بین نرخ جدید و نرخ قبلی متحدالشکل مقایسه به عمل آید؛ و با انجام چنین مقایسه‌ای مرجع تجدید نظر به این نتیجه رسید که رکن بدوی به اندازه کافی قانون تعرفه جبرانی آمریکا را مورد بررسی قرار نداده و رکن تجدید نظر هم در این زمینه برای صدور رأی قانع نشده است (WTO DS449, 2015, Para. 5.1).

در دعوی ژاپن علیه کانادا با موضوع (وضع) برخی اقدامات مؤثر بر بخش تولید انرژی تجدیدپذیر، ژاپن ادعا داشت که اقدامات دولت محلی انتاریوی کانادا بر الزام ساخت داخل درباره برخی از ژنراتورهای تولید الکتریسیته خورشیدی و فن‌آوری نیروی باد، مغایر با بندهای ۴ و ۵ از ماده ۳ گات است، زیرا تجهیزات ساخت ژاپن در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر را در موقع وارد شدن به کانادا، در وضعیت کمتر مطلوبی نسبت به کالاهای ساخت کانادا قرار می‌دهد. به نظر رکن حل‌وفصل اختلاف، موضوع مربوط به الزامات درباره محتوای ساخت داخل است و نقض بند ۱ از ماده ۲ تریمز و در نتیجه بند ۴ از ماده ۳ گات محقق شده است. درباره اینکه آیا کانادا می‌تواند از اختیار مبتنی بر قسمت الف از بند ۸ ماده ۳ گات استفاده و آن اقدامات را از شمول بند ۱ از ماده ۲ تریمز خارج کند، رکن حل‌وفصل به این نتیجه رسید که کانادا نتوانسته است این موضوع را اثبات کند؛ زیرا خرید الکتریسیته توسط دولت انتاریو برای بازفروش بوده، و ژاپن موفق شده است که نقض توسط کانادا را اثبات نماید (WTO DS412, 2014: Para. 8.2).

سازمان، در موضوع اصل رفتار ملی در زمینه انرژی، حتی الزام ساخت داخل در انرژی تجدیدپذیر را نیز مخالف با اصل رفتار ملی (بندهای ۴ و ۵ از ماده ۳ گات) می‌داند. به نظر رکن حل‌وفصل، الزام ساخت داخل در کالاهای تولید انرژی تجدیدپذیر نمی‌تواند تحت استثنائات مجاز از اصل رفتار ملی که در ماده ۲۰ گات اشاره شده، از جمله کمک به حفظ محیط زیست، طبقه‌بندی شود (Batra and Bafna, 2018: 401).

۳.۳. اصل ممنوعیت محدودیت‌های کمی یا مقداری^۱

محدودیت‌های کمی یا مقداری محدودیت‌هایی خاص هستند که بر حسب کمیّت یا ارزش کالاها، می‌توانند طی یک دوره زمانی معین اعمال شوند. موافقت‌نامه گات استفاده از محدودیت‌های مقداری را هم برای واردات و هم در زمینه صادرات، ممنوع ساخته است.^۲ بر این مبنای عوارض، مالیات‌ها و دیگر انواع هزینه‌ها تنها محدودیت‌های مجازند و محدودیت‌هایی چون اعمال ممنوعیت، سهمیه‌بندی یا لزوم اخذ مجوز (که همگی از نوع محدودیت‌های مقداری هستند) ممنوع می‌باشند. البته محدودیت‌های مقداری شامل محدودیت‌های اعمال شده به طور موقت برای جلوگیری از کمبود بحرانی مواد غذایی، محدودیت‌های لازم برای اجرای استانداردها و محدودیت‌های محصولات کشاورزی و شیلات نمی‌شود.^۳ ماده ۱۳ گات مقرر می‌دارد که ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مقداری باید غیرتبعیض‌آمیز باشد؛ یعنی تمامی طرف‌های تجاری باید به طور یکسان مشمول آنها شوند. به‌رغم اهمیت این اصل، تاکنون قضیه ای درباره نقض ممنوعیت محدودیت‌های کمی در بخش انرژی در رکن حل‌وفصل طرح نشده است.

۳.۴. اصل منع یارانه و رویکرد موافقت‌نامه یارانه‌ها درباره مسأله انرژی

دولت‌ها تلاش می‌کنند تا به روش‌های مختلف از تولید در کشور خود حمایت کنند. یکی از این روش‌ها اعطای یارانه‌های تولیدی (صادراتی) است^۴، که به علت مخالفت با اصل رفتار ملی و نبود تبعیض بین کالاهای داخلی و خارجی، به طور خاص، تحت اصل منع یارانه در موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی ممنوع شده‌اند. یارانه هر گونه کمک مالی از طرف دولت یا مؤسسات بخش عمومی به تولیدکننده داخلی است، که او را در وضعیت بهتری نسبت به تولیدکننده خارجی قرار می‌دهد و نفعی به او می‌رساند. این یارانه در صورتی که خاص باشد، جزء یارانه‌های ممنوعه طبقه‌بندی می‌شود. اصل منع یارانه نیز جلوه‌ای از اصل نبود تبعیض است که به دلیل گستردگی رویه اعطای یارانه توسط کشورها به صورت جداگانه در موافقت‌نامه یارانه‌ها منع شده است. موضوع انرژی یکی از مواردی است که دولت‌ها در آن یارانه‌هایی را برای کمک به تأمین انرژی مورد نیاز سایر صنایع و عموم مردم وضع می‌کنند؛ که می‌تواند مشمول مقررات مربوط به منع یارانه‌های خاص قرار بگیرد. براساس آمار، میزان یارانه‌های اختصاص داده شده به انرژی‌های تجدیدپذیر از ۳۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ به ۱۰۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است (Wenzlau, 2018: 344).^۵

1. Quantitative Restrictions.

۲. ماده ۱۱ گات

۳. ماده ۱۱ گات

۴. یارانه براساس بند اول از ماده اول موافقت‌نامه یارانه‌ها، نوعی کمک مالی مستقیم از جانب دولت است که شرایط خاصی را می‌طلبد.

۵. و تخمین آژانس بین‌المللی انرژی درباره یارانه‌های انرژی‌های فسیلی، ۵۴۴ میلیارد دلار است.

در دعوی ژاپن علیه کانادا با موضوع برخی اقدامات مؤثر بر بخش تولید انرژی تجدیدپذیر، ژاپن خواستار برداشتن محدودیت‌های ساخت داخل، وضع شده از سوی کانادا، بود و ادعا داشت که اقدام کانادا در اعطای یارانه به این صنایع در کشور خود، مخالف قسمت ب از بند ۱ و بند ۲ از ماده ۳ موافقت‌نامه یارانه‌ها است. در این دعوا، اکثریت رکن حل‌وفصل اعتقاد داشتند که ژاپن نتوانسته است وجود یارانه را اثبات کند؛ زیرا بازار در سلطه مقررات دولتی بوده و رقابتی نبوده است. چرا که در آن زمینه برای حفظ تأمین الکتریسیته، سرمایه‌گذاری دولتی ضروری بوده و در نتیجه شرایط عرضه و تقاضای الکتریسیته در انتاریو رقابتی نبوده است. رکن تجدید نظر درباره موضوع یارانه اعتقاد داشت که هرچند ضوابط قسمت الف از بند ۱ ماده ۱ محقق شده و برنامه تعرفه جبرانی کانادا، در واقع نوعی خرید از سوی دولت بوده است، اما به انتقال مستقیم وجوه به تولیدکننده کانادایی منجر نشده و ژاپن نیز نتوانسته است که ثابت کند، برنامه دولت کانادا انتفاعی را در مفهوم قسمت ب از بند اول ماده ۱ به تولیدکننده کانادایی می‌رساند. بنابراین نمی‌توان نقض قسمت ب از بند ۱ و بند ۲ از ماده ۳ موافقت‌نامه یارانه‌ها را مورد حکم قرارداد (WTO DS412, 2014, Para. 8.3).^۱

چین در تاریخ اوت ۲۰۱۸، دعوی دیگری را علیه آمریکا با موضوع نقض قسمت ب از بند اول و بند دوم از ماده ۳ موافقت‌نامه یارانه‌ها (و نیز بندهای اول و دوم از ماده ۲ موافقت‌نامه تریمز و بند ۴ از ماده ۳ گات)، در رکن حل‌وفصل مطرح نموده است که هنوز تصمیمی توسط رکن حل‌وفصل اختلاف گرفته نشده است (WTO DS563, 2018).

دعوی دیگری نیز با عنوان نقض موافقت‌نامه یارانه‌ها از سوی روسیه علیه یونان، ایتالیا و سایر اعضای اتحادیه اروپا مطرح شده است، که در مرحله بدوی رأی صادر شده و به دلیل پیچیدگی موضوع هنوز در مرحله تجدید نظر رأی صادر نشده است (WTO DS476, 2018).

در دعوی آمریکا علیه چین، با موضوع اقدامات مرتبط با تجهیزات انرژی بادی، آمریکا در زمینه اعطای اعتبارات، تأمین منابع مالی و پاداش مالی به شرکت‌های تولیدکننده تجهیزات برق بادی در چین اعتراض داشته و موضوع را در رکن حل‌وفصل مطرح کرد. به ادعای آمریکا، این اقدامات در راستای کمک به کالاهای داخلی در برابر کالاهای وارداتی بوده و مخالف با ماده ۳ موافقت‌نامه یارانه‌ها است و از آنجا که این اقدامات از قبل اطلاع‌رسانی نشده است، به نظر می‌رسد که مخالف با بند اول از ماده ۱۶ گات و بندهای ۱ تا ۴، ماده ۲۵ موافقت‌نامه یارانه‌ها باشد. همچنین چین این اقدامات خود را به یکی از زبان‌های رسمی سازمان تجارت جهانی ترجمه نکرده است، بنابراین مخالف با پروتکل الحاق خود عمل کرده. این دعوا نیز هنوز منجر به صدور رأی نشده است (WTO DS419, 2011).

۱. البته بعدها دولت کانادا الزام ساخت داخل را از مقررۀ خرید تضمینی حذف کرد.

۳.۵. اصل نبود تبعیض و رویکرد موافقت‌نامه‌تریمز درباره مسأله انرژی

انرژی صنعتی است که نیازمند سرمایه‌گذاری زیادی در بخش‌های زیربنایی، به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی، است. بخش‌های انرژی و نیرو به‌خصوص خط لوله‌ گاز و میادین نفتی، در میان بخش‌های مهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار دارند.

موافقت‌نامه «اقدامات سرمایه‌گذاری در روابط تجاری» یا تریمز به خودی خود با سیاست سرمایه‌گذاری روبه‌رو نمی‌شود و تنها تعهد رفتار ملی و ممنوعیت محدودیت‌های کمی با توجه به تدابیر سرمایه‌گذاری خاص مانند محتوای داخلی (یا محلی)، شرایط مربوط به مبادله خارجی را شرح و تفصیل می‌دهد. موافقت‌نامه مزبور تنها اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با کالا را پوشش می‌دهد و اقدامات سرمایه‌گذاری مربوط به خدمات را شامل نمی‌شود. این موافقت‌نامه تأیید می‌کند که برخی اقدامات می‌توانند منجر به محدودیت و بی‌نظمی تجاری شوند و نیز هیچ عضوی نمی‌تواند اقداماتی را به اجرا گذارد که برای خارجی‌ان و کالاهای خارجی تبعیض‌آمیز است؛ یعنی از اصول رفتار ملی در گات تخلف نماید و در بند اول از ماده ۲، بر ماده ۳ گات صحه می‌گذارد. این موافقت‌نامه همچنین آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری را که به محدودیت‌های مقداری منجر شود (مخالف با ماده ۱۱ گات باشد)، غیرقانونی اعلام می‌کند. همچنین این موافقت‌نامه مربوط به اقدامات رفتار با واردات و صادرات است که توسط سرمایه‌گذاران انجام می‌شود، نه فعالیت آن‌ها (WTO TRIMS, 1994: Art. 2).

از آنجا که انرژی نیز به عنوان یک کالا در موافقت‌نامه‌های کالایی قرار می‌گیرد، تعهد به رفتار ملی و رفع محدودیت‌های کمی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی نیز جزء تعهدات کشورها به حساب می‌آید. تعهدات کشورهای دارای منابع انرژی و صادرکننده انرژی براساس موافقت‌نامه تریمز، بسیار مهم است؛ زیرا این کشورها اغلب کشورهایی هستند که برای بهره‌برداری از منابع انرژی خود (به‌طور ویژه، نفت و گاز) نیاز به دانش فنی یا سرمایه‌گذاری کشورهای واردکننده منابع انرژی دارند.

یک فهرست تشریحی از موارد توافق شده در مورد اقدامات سرمایه‌گذاری مربوط به تجارت که با مواد گات مغایرت دارد، همراه این موافقت‌نامه است؛ که در آن اقداماتی که سطوح خاصی از تدارک داخلی به وسیله یک بنگاه را ایجاد می‌کند، «الزامات مربوط به محتوای محلی»^۱ مشخص شده است.

این موافقت‌نامه همچنین اقداماتی را منع کرده است، که واردات شرکت را محدود و یا اهداف شرکت برای صادرات را معین می‌کند. طبق این موافقت‌نامه، کشورها باید سازمان تجارت جهانی و اعضای آن را از همه تدابیر سرمایه‌گذاری که مطابق با موافقت‌نامه مذکور نیستند، مطلع سازند (WTO TRIMS, 1994: Arts. 5 & 6).

در دعوی ژاپن علیه کانادا با موضوع (وضع) برخی اقدامات مؤثر بر بخش تولید انرژی تجدیدپذیر که در بالا به آن اشاره شد، رکن حل و فصل اظهار نظر کرد که اقدامات کانادا ناقض بند دوم از ماده ۱ تریمز است (همگام با ماده ۳ گات) (WTO DS412, 2014, Para. 7.167 & 8.4).

در دعوی به طرفیت اتحادیه اروپا، چین ادعا کرده است که برنامه تعرفه جبرانی درونی اعمال شده توسط اتحادیه اروپا، از جمله ایتالیا و یونان، به ترتیب ناقض بندهای اول، ۴ و ۵ از ماده ۳ گات، قسمت ب از بند اول و بند دوم از ماده ۳ موافقتنامه یارانه‌ها و بندهای اول و دوم از ماده ۲ تریمز است. رکن حل و فصل هنوز درباره موضوع اعلام نظر نکرده است (WTO DS452, 2012)؛ با این حال، در دعوی انرژی خورشیدی علیه هند و نیز دعوی انرژی تجدیدپذیر علیه کانادا، به پرغم ارتباط تریمز با گات در زمینه اصل رفتار ملی، به ترتیب رفتار هند و کانادا در وضع الزام ساخت داخل را مخالف با تریمز (بند اول از ماده ۲ تریمز) ندانست (WTO DS456, 2018, Paras. 8.1-8.2).

۳.۶ اصل منع دامپینگ و رویکرد موافقتنامه ضد دامپینگ^۱ درباره موضوع انرژی

اگر شرکتی محصولی را به قیمتی کمتر از قیمت بازارهای داخلی صادر کند، این اقدام را دامپینگ می‌گویند. بسیاری از کشورها با دامپینگ مقابله می‌کنند تا از صنایع داخلی خود دفاع کنند. موافقتنامه ضد دامپینگ به این موضوع می‌پردازد که دولت‌ها چگونه در مقابل دامپینگ عکس‌العمل نشان دهند و اقدامات مقابله با عملیات دامپینگ را به انجام رسانند. براساس ماده ۶ گات و ماده ۲۱ موافقتنامه ضد دامپینگ، هنگامی که کالایی با ارزش کمتر از ارزش عادی آن در کشور مبدأ کالا، وارد جریان تجارت کشور دیگر شود، دامپینگ تحقق یافته است. دامپینگ مزیت رقابتی را نصیب کشور صادرکننده دامپینگ می‌سازد و کالای تولید داخل را در وضعیت پایین‌تری نسبت به کالای وارداتی قرار می‌دهد. موافقتنامه گات و ضد دامپینگ به رفتار اولیه حاکی از دامپینگ اشاره ندارد، بلکه تمرکز آن بر مقابله با دامپینگ است. هر دو موافقتنامه به کشورها اجازه می‌دهند تا در مواردی که لطمه به صنایع داخلی کشور واردکننده واقعاً جدی است، بر ضد دامپینگ وارد عمل شوند (WTO, Technical Information on anti-dumping).

به منظور این کار، دولت باید قادر باشد و نشان دهد که دامپینگ در حال اتفاق افتادن است (قیمت به مراتب پایین‌تر صادرات در مقایسه با قیمت بازار داخلی کشور صادرکننده) و موجب لطمه یا تهدید به صنایع داخلی کشور واردکننده شده است. در واقع، عملیات ضد دامپینگ به معنی اعمال حقوق و عوارض گمرکی اضافی بر محصولی خاص از کشور صادرکننده خاص است. هدف از دامپینگ، نزدیک کردن قیمت به ارزش عادی (واقعی) یا بر طرف کردن لطمه وارده به صنایع داخلی در کشور واردکننده است.

1. Anti- Dumping.

دامپینگ می‌تواند در زمینه انرژی هم رخ دهد؛ اما از آنجا که بازار انرژی به شدت رقابتی است و کشورهای صادرکننده تمایل به حفظ بازارهای صادراتی خود دارند، موضوع اعتراض به دامپینگ در مورد انرژی عملاً کمتر در میان کشورهای صادرکننده مشاهده می‌شود.

در دعوی آرژانتین علیه اتحادیه اروپا (جامعه اروپایی سابق) با موضوع وضع اقدامات ضد دامپینگ بر سوخت بیودیزل وارداتی از آرژانتین، در دسامبر ۲۰۱۳، آرژانتین شکایتی را نسبت به اقدامات اتحادیه اروپا درباره وضع قوانین و نیز اقدامات ضد دامپینگ اعمال شده توسط این اتحادیه، در رکن حل و فصل اختلاف مطرح نمود که اتحادیه اروپا مواد مختلف از موافقت‌نامه ضد دامپینگ، گات و خود موافقت‌نامه تأسیس را نقض نموده است. رکن حل و فصل اختلاف، قسمت اول از درخواست آرژانتین درباره پاراگراف دوم از ماده (۵) از دستورالعمل اتحادیه اروپا^۱ با موضوع حمایت از کشورهای عضو اتحادیه در برابر کالاهای دامپینگ شده از ناحیه کشورهای غیرعضو را بررسی کرد، که بر آن اساس، مقامات کشورهای عضو را ملزم می‌کند داده‌های هزینه‌ای ارائه شده از سوی صادرکنندگان به اتحادیه را در مواردی که غیرمعمول به نظر می‌رسند، رد کرده یا آنها را تغییر دهند. در این مورد، مرجع رسیدگی کننده با این استدلال که این یک قانون کلی است و مصادیق آن قابل شکایت است نه اصل قانون، نظر آرژانتین را نپذیرفت. همچنین آن گونه که آرژانتین ادعا می‌کند، این مصوبه شورای اتحادیه اروپا، مخالف با بند ۲، از ماده ۲ گات و قسمت ب-۲ از بند ۱ ماده ۶ موافقت‌نامه ضد دامپینگ نیست؛ زیرا کشورها در این موارد دارای حق وضع قانون به صورت کلی هستند.

در مرحله بعد، آرژانتین درباره وضع اقدامات موردی ضد دامپینگ اتحادیه بر سوخت بیودیزل وارداتی از آرژانتین، ادعای نقض قسمت ۱،۱ از بند ۲ و خود بند ۲، از ماده ۲ موافقت‌نامه دامپینگ و قسمت ب-۲ از بند ۱ ماده ۶ گات را داشت؛ به این صورت که اتحادیه اروپا در احتساب قیمت تمام‌شده سوخت بیودیزل اشتباه داشته، مبنای قیمت را غلط محاسبه کرده و هزینه‌های تولیدکنندگان را به درستی در نظر نگرفته است، همچنین مالیات داخلی را هم به قیمت اضافه نکرده است. مرجع رسیدگی کننده نیز ادعای آرژانتین را درباره نقض قسمت ۱،۱ از بند ۲ (۱،۱) و خود بند ۲، ماده ۲ موافقت‌نامه دامپینگ پذیرفت؛ اما درباره نقض قسمت ب-۲ از بند ۱ ماده ۶ گات، تصمیم‌گیری نکرد. البته نظر آرژانتین مبنی بر قصور اتحادیه اروپا در مد نظر قرار دادن تفاوت‌های قیمتی بین کشورها پذیرفته نشد (نقض بند ۴ از ماده ۲ موافقت‌نامه دامپینگ). همچنین رکن حل و فصل ادعای آرژانتین مبنی بر وضع عوارض دامپینگ توسط اتحادیه به میزانی بیشتر از دامپینگ ادعایی را پذیرفت و آن را نقض بند سوم، ماده ۹ موافقت‌نامه

1. Council Regulation (EC) No 1225/2009 of 30 November 2009 on protection against dumped imports from countries not members of the European Community, available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A32009R1225>

دامپینگ و بند دوم، ماده ۶ گات دانست. البته در تعیین حاشیه سود، رکن حل و فصل، ادعای آرژانتین مبنی بر نقض بند ۲ و قسمت سوم از بند ۲،۲ از ماده ۲ موافقت‌نامه دامپینگ توسط اتحادیه را نپذیرفت. به نظر رکن حل و فصل، مقامات اتحادیه در بررسی صدمه وارده به ظرفیت تولید و استفاده از تولید ناشی از کالاهای دامپینگ شده وارداتی، مشاهدات عینی انجام نداده و به داده‌های ارائه شده توسط بخش صنایع اتحادیه اکتفا کرده‌اند و آنها را راستی‌آزمایی نکرده‌اند، بنابراین نقض بندهای اول و ۴ از ماده ۳ موافقت‌نامه دامپینگ محقق شده است و در مورد سایر عوامل مؤثر در تحقق دامپینگ، رکن حل و فصل ادعای آرژانتین را نپذیرفت. بر همین اساس، مرجع تجدیدنظر نیز یافته‌های رکن بدوی را تأیید کرد (WTO DS473, 2016, Para. 8.1 & Para. 8.3).

۴. موافقت‌نامه گاتس و سایر مسائل مرتبط با انرژی

مقررات سازمان تجارت جهانی ناظر به انتقال فن آوری، بر جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی^۲ و موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) متمرکز شده است. بر اساس ماده ۵ گاتس، اهداف اصلی، ارتقای نوآوری در فناوری و نیز انتقال و انتشار فن آوری است. این خط مشی در بند ۲، ماده ۶۶ تریپس بیشتر توسعه یافته است. طبق این ماده، کشورهای پیشرفته ملزم به ایجاد انگیزه در شرکت‌های خود برای انتقال فناوری به کشورهای کمتر توسعه یافته هستند، تا آن‌ها را قادر به ایجاد فن آوری عملی و خودکفا کنند.^۳ هرچند نمی‌توان تولید انرژی را چندان با گاتس مرتبط دانست اما می‌توان ۳ فعالیت را در رابطه با بخش انرژی ذیل گاتس طبقه‌بندی کرد: حمل و نقل نفت خام و فرآورده‌های دیگر نفتی و گازی، خدمات مربوط به حفاری و استخراج و انتقال و تولید و توزیع برق (صادقی شاهدانی، ۱۳۹۴: ۵). تا کنون دعوایی نسبت به نقض موافقت‌نامه گاتس و تریپس در حیطه انرژی در رکن حل و فصل اختلاف مطرح نشده است؛ اما در قسمت تولید برق از منابع تجدیدپذیر، همانطور که پیشتر اشاره شد، دعوایی توسط روسیه مطرح شده، که رکن حل و فصل ادعای روسیه را درباره نقض گات رد کرده است.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی سوابق مذاکرات نظام چندجانبه تجاری و قواعد سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد، که در ادوار

۱. ۴ عامل دیگر عبارتند از: ظرفیت مازاد صنعت داخلی (واردات صورت گرفته از سوی بخش صنعت داخلی)، نظام محاسبه

مضاعف برخی اعضای اتحادیه اروپا، و کمبود وحدت افقی و دسترسی به مواد اولیه برای صنعت داخلی اتحادیه.

2. Trade Related Aspects of Intellectual property Rights (Agreement) (TRIPS).

۳. ماده ۶۶ بند ۲ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی.

مذاکراتی و اسناد مربوط، به‌ندرت اشاره مستقیمی به انرژی وجود دارد. بررسی موافقت‌نامه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با انرژی مانند اوپک، آژانس بین‌المللی انرژی، منشور انرژی و معاهدات چندجانبه مانند نفتا، حاکی از آن است که جامعه جهانی، سازمان تجارت جهانی را محل مناسبی برای طرح مسائل انرژی نمی‌داند. انرژی به دو بخش انرژی‌های فسیلی و تجدیدپذیر تقسیم می‌شود. هرچند به طور مستقیم به مسأله انرژی در سازمان اشاره نشده است، اما اختلافات ناظر به انرژی‌های تجدیدپذیر در رویه رکن حل‌وفصل اختلاف طرح شده‌اند. اگر چه قوانینی در سازمان تجارت جهانی به‌طور ویژه برای مشکلات تجاری فرامرزی در مواد و محصولات انرژی طراحی نشده‌اند، قوانین حاضر برای تجارت انرژی کاربرد دارند.

سازمان تجارت جهانی به طور کلی درصدد رفع موانع تجاری از طریق تحریم اقدامات مختل‌کننده، استفاده از محدودیت‌های کمی بر واردات و صادرات بوده و در مقابل مشوق کاهش متقابل و حذف تعرفه‌های وارداتی است؛ همچنین قوانین و مقررات آن به طور مناسب تمام نیازهای تجارت فرامرزی انرژی را پوشش نمی‌دهد. عمده مقررات و ضوابط موجود در بخش انرژی تحت تأثیر قوانین داخلی کشورها قرار داشته و نقش قوانین منطقه‌ای و جهانی در هدایت انرژی و تولید و نیز عرضه ایمن آن غیرشفاف و حل نشده باقی مانده است. از این رو، هرچند همانطور که در صفحات پیشین اشاره شد، می‌توان مقررات سازمان تجارت جهانی را در بخش انرژی هم اعمال کرد، اما موانعی در این راه وجود دارد که به آنها پرداخته شد. تاکنون دعاوی چندانی به طور اختصاصی در مورد موضوع انرژی نزد رکن حل‌وفصل اختلاف سازمان مطرح نشده، اما در همین آرا نیز، رکن حل‌وفصل تلاش کرده است تا رویکرد منسجمی را نسبت به بخش انرژی در پیش بگیرد.

به‌رغم وجود موافقت‌نامه‌ها و رویه حل‌وفصل اختلاف، ضروری است انجام مذاکرات برای دستیابی به یک موافقت‌نامه جامع برای بخش انرژی در سازمان تجارت جهانی در دستور کار مستقیم قرار گیرد. چنین موافقت‌نامه‌ای باید مسائل مرتبط با بخش انرژی (که در اینجا انرژی‌های فسیلی را هم در بر می‌گیرد) را شامل شود. پرداختن به مسأله محدودسازی میزان تولید یا محدودیت‌های کمی و مسأله محدودیت‌های صادراتی به دلیل طبع ویژه بخش انرژی باید متفاوت از گات مورد قاعده‌گذاری قرار گیرد. مسأله حمل‌ونقل سبز کالاهای مرتبط با انرژی و دارای کمترین آلودگی زیست‌محیطی مورد توجه قرار گیرد. در چنین موافقت‌نامه‌ای باید به تمایز بین انرژی‌های تجدیدپذیر و انرژی‌های فسیلی توجه شود و دغدغه‌های حاکمیتی و امنیتی کشورها در تولید و صادرات منابع انرژی فسیلی مد نظر قرار گیرد؛ زیرا ماده ۲۰ گات به تنهایی جوابگوی دغدغه‌های کشورها در این زمینه نیست. به عبارت دیگر، اصول نبود تبعیض، منع یارانه‌ها، منع دامپینگ و ... برای بخش انرژی به طور خاص طراحی و نیز به تمایز بین کالاها و خدمات انرژی در این موافقت‌نامه توجه شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

۱. ایروانی، محمدجواد (۱۳۸۲). شناخت سازمان تجارت جهانی. تهران: مرکز پژوهش‌های بازرگانی.
۲. صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۴). سازمان تجارت جهانی و رویکرد آن به بخش انرژی. تهران: مرکز ملی جهانی شدن.

ب) مقالات

۱. حائریان اردکانی، محمود (۱۳۸۱). نفت و سازمان تجارت جهانی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۱۲-۱۳ (۴۴-۴۵)، ۱۲۹-۱۵۳.
۲. حبیبی دباغ، محسن (۱۳۹۰). عضویت در سازمان تجارت جهانی و اقتصادهای وابسته به نفت خام. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۸ (۲۸)، ۱۵۳-۱۷۸.
۳. ژیمنرگوئرا، آندریا (۱۳۸۱). سازمان تجارت جهانی و نفت. مترجم: یوسف جمسی، مجله اقتصاد انرژی، (۴۳)، ۱۷-۲۳.
۴. صادقی شاهدانی، سیدمهدی (۱۳۹۲). جهانی‌سازی بخش انرژی از مسیر گات و سازمان تجارت جهانی. مجله مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۴ (۱۲)، ۱۰۷-۱۳۲.
۵. شهبازی، آرامش (۱۳۸۸). پیوند میان بخش انرژی و مقررات سازمان تجارت جهانی تحلیلی حقوقی از واقعیات و چشم‌اندازی حقوقی از تحولات. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۸ (۱۶)، ۲۵۵-۲۸۸.
۶. شیروی، عبدالحسین؛ و فرحان جم، مهسا (۱۳۹۷). قیمت‌گذاری دوگانه انرژی در رویه سازمان جهانی تجارت. مجله مطالعات حقوقی، ۱۰ (۴)، ۱۳۱-۱۶۳.
۷. عبدالله، حسین (۱۳۸۰). پیامدهای گات و سازمان تجارت جهانی برای کشورهای صادرکننده نفت. مجله اقتصاد انرژی، ۲ (۳)، ۳۶-۴۵.
۸. فاتح، علی؛ و حسینی صدرآبادی، ایرج (۱۳۹۶). رویکرد سازمان جهانی تجارت نسبت به انرژی‌های تجدیدپذیر. مجله مطالعات حقوق انرژی، ۳ (۲)، ۳۰۹-۳۳۷.

۱. انگلیسی

A) Books

1. Selivanova, Y. (2008). *Energy Dual Pricing in WTO Law: Analysis and Prospects in the Context of Russia's Accession to the WTO*. London: Cameron May.
2. Selivanova, Y. (ed.) (2011). *Regulation of Energy in International Trade Law: WTO, NAFTA and Energy Charter*. Kluwer Law International.
3. Stewart, T. p. (1999) (ed.). *The GATT Uruguay Round: A Negotiating History (1986-1992)*. Kluwer International.

4. Venn, F. (2013). *The Oil Crisis*. London: Routledge.

B) Articles

5. Batra, M.; & Bafna, N. (2018). Renewable Energy: The WTO's Position on Local Content Requirements. *Energy Law Journal*, 39, 401- 426.
6. Cottier, T.; et al (2010). Energy in WTO law and policy, *WTO working paper*, available at: https://www.wto.org/english/res_e/publications_e/wtr10_forum_e/wtr10_7may10_e.pdf
7. De Bivre, D.; Espa, I.; & Poletti, A. (2016), Actual and Potential WTO Disputes on Subsidies for Fossil and Renewable Energy, *International Conference on Global Public Goods, Global Commons and Democracy: An Interdisciplinary Perspective*, Ku Leuven, Leuven Centre for Global Governance Studies.
8. Espa, I.; & Duran, G. M. (2018). Renewable Energy Subsidies and WTO Law: Time to Rethink the Case for Reform Beyond Canada – Renewable Energy/Fit Program, *Journal of International Economic Law*, 21, 621–653
9. Farah, P. D.; & Cima, E. (2013). Energy Trade and the WTO Implications for Renewable Energy and the OPEC Cartel, *Journal of international Economic law*, 16 (3), 707-740.
10. Sakmar, S. L. (2012). Bringing Energy Trade into the WTO: The Historical Context, Current Status, and Potential Implications for the Middle East Region, *Indiana International & Comparative Law Review*, 18(1), 89-111.
11. Selivanova (2012), The Energy Charter and the International Energy Governance, *European Yearbook of International Economic Law*, 307-342
12. Wenzlau, S. (2018), Renewable Energy Subsidies and the WTO. *University of California Davis Journal*, 41(2), 337-365
13. Ya Qin, J. (2003). WTO-Plus' Obligations and Their Implications for the World Trade Organization Legal System - an Appraisal of the China Accession Protocol. *Journal of World Trade*, 37(3), 483-522

C) Book Chapters

14. Chapter 2: National Treatment Principle. In: *2016 Report on Compliance by Major Trading Partners with Trade Agreements- WTO, EPA/FTA and IIA*, pp. 273-280 available at: https://www.meti.go.jp/english/report/data/2016WTO/pdf/02_03.pdf
15. Tocoa-Vielma, J. (2003). Defining Energy Services for the GATS: An issue under Discussion. In: *Energy and Environmental Services: Negotiating Objectives and Development Priorities*, UNCTAD, United Nations, New York, Geneva, pp. 70-84.

D) Documents and Reports

16. Selivanova Yulia (2007). *The WTO and Energy, WTO Rules and Agreements of Relevance to the Energy Sector*, Energy Charter Secretariat, available at: <https://www.ictsd.org/sites/default/files/research/2012/03/the-wto-and-energy.pdf>.
17. UNCTAD (2003). *Energy and Environmental Services: Negotiating Objectives and Development Priorities*, New York/Geneva, UNCTAD, United Nations, available at: <https://www.ictsd.org/sites/default/files/research/2012/03/the-wto-and-energy.pdf>
18. UNCTAD (2000). *Trade Agreement, Petroleum and Energy Policies, UNCTAD/ITCD/TSB/9*, New York/Geneva, United Nations UNCTAD.

E) WTO Documents

19. Agreement on Trade-Related Investment Measures (TRIMs) (1994). WTO, available at: https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/18-trims.pdf
20. GATT Panel Report on US – Superfund, in WTO Dispute Settlement Reports, (2005), vol. xiii, Cambridge University Press
21. Lamy, Pascal (2007). *Doha Round will benefit energy trade*, available at: https://www.wto.org/english/news_e/sppl_e/sppl80_e.htm
22. Technical Information on anti-dumping. WTO, available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/adp_e/adp_info_e.htm
23. Trade without discrimination. WTO, available at: https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/fact2_e.htm

F) WTO Cases

24. WTO DS 412 (2014). Canada — Certain Measures Affecting the Renewable Energy Generation Sector, available at: <https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/DS/412R.pdf&Open=True>.
25. WTO DS419 (2011). China — Measures concerning wind power equipment, available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds419_e.htm.
26. WTO DS426 (2014). Canada — Measures Relating to the Feed-in Tariff Program, available at: <https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/DS/412R.pdf&Open=True>.
27. WTO DS449 (2015). United States — Countervailing and Anti-dumping Measures on Certain Products from China, available at: <https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/DS/449ABR.pdf&Open=True>
28. WTO DS452 (2012). European Union and certain Member States — Certain Measures Affecting the Renewable Energy Generation Sector, https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds452_e.htm
29. WTO DS 456 (2018) India — Certain Measures Relating to Solar Cells and Solar Modules, available at: <https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/DS/456R.pdf&Open=True>
30. WTO DS473 (2016). European Union — Anti-Dumping Measures on Biodiesel from Argentina, available at: <https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/DS/473R.pdf&Open=True>
31. WTO DS510 (2019). United States — Certain Measures Relating to the Renewable Energy Sector, available at: <https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/DS/510R.pdf&Open=True>
32. WTO DS563 (2018). United States — Certain Measures Related to Renewable Energy, https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds563_e.htm

References in Persian:**A) Books**

1. Irvani, M. J. (2003). *Understanding the WTO*, Tehran, Institute For Trade Studies and Research (In Persian).
2. Sadeghi Shahdani, S. M. (2015). "Globalization of the Energy Sector through the WTO", *Strategic Studies of Public Policy Journal*, 4 (12), 107-132 (In Persian).

B) Articles

3. Fateh, A.; & Hosseini Sadrabadi, I. (2017). "The Approach of World Trade Organization (WTO) Towards Renewable Energies", *Journal of Researches Energy Law Studies*, 3 (2), 309-337, DOI: 10.22059/JRELS.2018.241462.146 (In Persian).
4. Habibi Dabbagh, Mohsen (2011), "Membership in WTO and Oil-Dependent Economies". *Quarterly Energy Economics Review*, 8 (28), 153-178 (In Persian).
5. Haerian Ardekani, M. (2002). "Oil and WTO", *Journal of Humanities of AlZahra University*, 12-13 (44-45), 129-153 (In Persian).
6. Hossein, A. (2001). "GATT and WTO Effects on Oil Exporting Countries", *Journal of Energy Economy*, 2 (3), 36-45 (In Persian).
7. Sadeghi Shahdani, S. M. (2015). *WTO and its Approach to Energy*, National Centre for Globalisation (In Persian).
8. Shahbazi, A. (2009). "The Companionship of the Energy Sector and WTO Regulations; Facts, Challenges and Prospects", *Journal of Legal Research*, 8 (16), 255-288 (In Persian).
9. Shiravi, A.; & Farhanjam, M. (2018). "Energy Dual Pricing in WTO Practice", *Academic Journal of Legal Studies*, 10 (4), 131-163, DOI: 10.22099/jls.2019.5206 (In Persian).
10. Zhimenerguera, A.; & Jesmi, Y. (translator) (2002). "WTO and Oil", *Journal of Energy Economy*, 43, 17-23 (In Persian).